

به قلم جین گتز ترجمه از فریدون موخوف

مقدمه

از کتاب «یکدیگر را بنا کنیم»

چند سال پیش کشف عجیبی کردم. کشف من زمانی اتفاق افتاد که هنوز پروفسور دانشگاه تئولوژی دالاس بودم و با دانشجویان در رابطه با نقشه خدا برای کلیسا سر و کله می‌زدم. سوالات آنها بسیار بجا و کشمکش کننده بود. کلیسای سالم چیست؟ خدا از تمامی مومنین چه می‌طلبد؟ چه چیزی کلیسا را به شهادی پویا در این دنیا تبدیل می‌کند؟

تمامی این سوالات به من انگیزش داد تا نامه‌های مختلفی را که به کلیساها عهد جدید نوشته شده‌اند، به شکلی عمیق بکاوم. در طول این سفر من در رسالات، یک مطلب اصلی از صفحات کلام خدا دائم در مقابل چشم من بالا و پایین می‌پرید. بارها و بارها متوجه کلماتی شدم که مومنین را به انجام آنچه که می‌بایست برای یکدیگر می‌کردند، تشویق می‌نمود. پولس در رابطه با مسئولیت متقابلی که مسیحیان نسبت به یکدیگر دارند، از کلمه «آله‌لون» یونانی را نزدیک به چهل بار استفاده می‌کند و با این واژه بخصوص ایمانداران در این مورد تعلیم می‌دهد.

اخیرا به این مطلب در عهد جدید نگاهی تازه انداختم. و باز مثل همیشه متوجه مطالبی شدم که در دفعه اول به آنها توجه نکرده بودم. با کمال اشتیاق می‌خواهم این یافته‌های خود را با شما در میان نهم، ولی ابتدا بگذارید آنچه را که در نتیجه کنکاش اول من در رسالات اتفاق افتاد، با شما در میان بگذارم.

یافته‌های اولیه من در مورد عبارت «یکدیگر» مقدر بود که زندگی مرا بیشتر از آنچه که خود متوجه باشم، تحت تأثیر قرار دهد و زندگی من و بسیاری از افراد را در خود گیرد. اول، این عبارت همانند کلید آن روندی را که پولس در رساله خود به افسسیان می‌نویسد، برایم باز کرد. این مبشر بزرگ قرن اول به شکلی بسیار واضح مشخص می‌کند که «بدن مسیح» هرگز به جمعی پویا و در حال رشد که محبت مسیح را از خود منعکس کند، تبدیل نخواهد شد، مگر اینکه «هر بخش کار خود را انجام دهد.» نقشه خدا این است که «تمامی بدن»، «به مدد هر مفصلی و برحسب عمل به اندازه هر عضوی» باشد. اگر کلیسای محلی می‌خواهد به آنچه که خدا برای او منظور دارد، برسد، لازم است که تمامی بدن عملکرد داشته باشد.

کلیسایی که هرگز به فکر شروع آن نبودم

در آن روزهای سر و کله زدن با دانشجویان، برخی از آنها مرا تشویق کردند که کلیسایی را شروع و این مفهوم «یکدیگر» را در آن از همان بنیاد به کار گیرم. ابتدا در این مورد مردد بودم. هر چه باشد، به مدت قریب به بیست سال پروفیسور بودم. ولی کشمکشی را که آنها به جانم انداختند، جدی گرفتم و چند خانواده را کمک کردم که اولین کلیسای «بایبل فلوشیپ» را در دالاس به وجود آورند. این کلیسا را به عنوان شبان خدمت می‌کردم. کلیسا به سرعت از مردم پر شد و در عرض مدتی کوتاه می‌دانستم که باید تصمیم مهمی را اتخاذ کنم. بعد از تفکر و دعاهای بسیار، بر آن شدم که از کار تمام وقت خود در دانشگاه استعفا دهم و وظیفه شبانی و تأسیس کلیسا را به عهده بگیرم. از زمان شروع اولین کلیسای «بایبل فلوشیپ» در سال ۱۹۷۲، این کلیسا چنان ازدیاد پیدا نموده که تعداد آنها در دالاس به بیش از دوازده و در سراسر آمریکا به چند صد کلیسا رسیده است. حتی در کشورهای خارج چون ورشو لهستان نیز این کلیسا موجود است.

در حال حاضر من خود شبانی کلیسای «بایبل فلوشیپ» شمال را در پلینو تگزاس به عهده دارم که در سال ۱۹۸۱ شروع شد و در عرض مدتی کوتاه به کلیسایی بسیار بزرگ تبدیل گشت. و اکنون که قلم بر این کاغذ گذاشته‌ام، کلیسای «بایبل فلوشیپ» مک‌کینی تگزاس را هم شروع کرده‌ام که از نظر بشارتی در منطقه شمال دالاس بسیار اهمیت دارد.

تجاریبی که در طول این سالها در زمینه تأسیس کلیسا به دست آورده‌ام، همه نشانگر آن هستند که هیچ مطلبی به اندازه تأکید بر آن چیزهایی که کتابمقدس در رابطه با «یکدیگر» بیان می‌دارد، اهمیت ندارد. زمانی که در موعظه‌ها و تعالیم خود در گروههای بزرگ و کوچک به تأکید بر این مفهوم کتابمقدسی پرداختم، از بدن چنان «عملکردی» دیدم که تا به حال شاهد نبودم و تعداد افرادی که در این امر سهیم می‌شدند، بیش از تصور من بود. رشد حاصل از آن هم خارج از تصور بود. این امر نباید تعجب ما را برانگیزد، زیرا که روح‌القدس بخاطر همین نویسندگان عهد جدید را الهام بخشید تا آن تشویقات عالی را در نوشته‌های خود بگنجانند. در طول این سالها از شبان بسیار، چه از طریق نامه و چه روبرو، شنیده‌ام که تأکید بر آنچه که کتابمقدس در رابطه با «یکدیگر» می‌گوید، به شکل عمیقی پویایی کلیساهای آنها را عوض کرده است.

یافته‌های بدید

اخیرا که باز در کتابمقدس به این «یکدیگرها» مراجعه کردم، متوجه مطلبی شدم که بار اول از نظرم افتاده بود. در واقع ویژگی کتابمقدس هم در همین است. مهم نیست چقدر دقیق کتابمقدس را

مطالعه کرده باشیم، همیشه چیزهای تازه‌ای برای یادگیری هست. در نامه پولس به غلاطیان که احتمالاً اولین نامه او نیز بوده است، پولس «اعمال طبیعت گناه‌آلود» را با ثمره روح‌القدس مقایسه می‌کند. پولس می‌نویسد:

زیرا خواهش جسم به خلاف روح است و خواهش روح به خلاف
جسم و این دو با یکدیگر منازعه می‌کنند. (آله‌لون)

غلاطیان ۵: ۱۷

در این مورد، پولس مفهوم «یکدیگر» بکار می‌گیرد تا مشخص کند که چه تفاوت بین اشخاصی که از تبعیت «طبیعت گناه‌آلود» پیروی می‌کنند، و اشخاصی که «به روح زندگی می‌کنند»، وجود دارد. (۵: ۲۵). پولس در سراسر این متن در مورد «رابطه» صحبت می‌کرد، نه فقط منش شخصی و عمل. از این رو هم از ضمائر جمع استفاده می‌کند تا طریقی را که «اعمال طبیعت گناه‌آلود» خود را بدان متجلی می‌کنند، توصیف نماید. و در مقایسه با آن طریقی را که «ثمره روح‌القدس» در زندگی مسیحیان با یکدیگر منعکس می‌شود، هم نشان می‌دهد. این مطلب در رابطه با طریقی که مفهوم «یکدیگر» در عهد جدید به کار رفته است، ما را با دو حالت جالب توجه آن روبرو می‌سازد. آنها را می‌توان عملاً در دو گروه «اعمال طبیعت گناه‌آلود» و «ثمره روح‌القدس» طبقه‌بندی کرد. زمانی که چنین کنیم، بیدرنگ آنچه را که پولس از بیان منازعه بین این دو گروه در نظر داشت، می‌بینیم (۵: ۱۷).

«اعمال طبیعت گناه‌آلود»

و اعمال جسم آشکار است، یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور، و
بت‌پرستی و جادوگری و دشمنی و نزاع و کینه و خشم و تعصب و
شقاق و بدعتها، و حسد و قتل و مستی و لهو و لعب و امثال اینها
(غلاطیان ۵: ۱۹ - ۲۱)

در زیر لیست منفی «یکدیگر» را می‌بینیم که در چند متن عهد جدید ظاهر می‌شوند:

«شهوات خود با یکدیگر سوختند» (رومیان ۱: ۲۷)

«بنابراین بر یکدیگر حکم نکنیم» (رومیان ۱۴: ۱۳)

«از یکدیگر جدایی مگزینید» (اقرنتیان ۷: ۵)

«اگر همدیگر را بگزید» (غلاطیان ۵: ۱۵)

- «همدیگر را بخورید» (غلاطیان ۵: ۱۵)
«مبادا از یکدیگر هلاک شوید.» (غلاطیان ۵: ۱۵)
«لافزن مشویم تا یکدیگر را به خشم آوریم» (غلاطیان ۵: ۲۶)
«لافزن مشویم تا بر یکدیگر حسد بریم» (غلاطیان ۵: ۲۶)
«به یکدیگر دروغ مگویید» (کولسیان ۳: ۹)
«بر یکدیگر بغض می داشتیم» (تیتس ۳: ۳)
«یکدیگر را ناسزا مگویید» (یعقوب ۴: ۱۱)
«یکدیگر شکایت مکنید» (یعقوب ۵: ۹)

«ثمره روح»

لیکن ثمره روح، محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است.

(غلاطیان ۵: ۲۲)

آنچه که در زیر می آیند، حالت مثبت تشویق‌هایی است که در رابطه با «یکدیگر» آمده است. ببینید این تشویق‌ها چگونه ثمره روح‌القدس را از خود منعکس می‌کند:

«اما فرد اعضای یکدیگر» (رومیان ۱۲: ۵)

«با محبت برادرانه یکدیگر را دوست دارید» (رومیان ۱۲: ۱۰)

«هر یک دیگری را بیشتر از خود اکرام بنماید» (رومیان ۱۰: ۱۲)

«برای یکدیگر همان فکر داشته باشید» (رومیان ۱۲: ۱۶، ۱۵: ۵)

«جز به محبت نمودن با یکدیگر» (رومیان ۱۳: ۸، اتسالونیکیان ۳: ۱۲، ۴:

۹، ۲ اتسالونیکیان ۱: ۳، عبرانیان ۱۰: ۲۴، اپطرس ۱: ۲۲، ایوحنا ۳: ۱۱ و ۲۳،

۴: ۷ و ۱۱ و ۱۲، ۲ ایوحنا ۵)

«آن اموری را که منشا سلامتی و بنای یکدیگر است پیروی نمایید.» (رومیان

۱۴: ۱۹)

«پس یکدیگر را بپذیرید» (رومیان ۱۵: ۷)

«فادر بر نصیحت نمودن یکدیگر هستید» (رومیان ۱۵: ۱۴)

«یکدیگر را به بوسه مقدسانه سلام نمایید» (رومیان ۱۶: ۱۶، اقرنتیان ۱۶: ۲۰، ۲۱: ۱۳، اتسالونیکیان ۵: ۲۶، اپطرس ۵: ۱۴)
 «چون بجهت خوردن جمع می‌شوید، منتظر یکدیگر باشید» (اقرنتیان ۱۱: ۳۳)

«بلکه به محبت، یکدیگر را خدمت کنید» (غلاطیان ۵: ۱۳)
 «بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید» (غلاطیان ۶: ۲)
 «متحمل یکدیگر در محبت باشید» (افسیان ۴: ۲، کولسیان ۳: ۱۳)
 «یکدیگر مهربان باشید» (افسیان ۴: ۳۲)
 «همدیگر را در خدا ترسی اطاعت کنید» (افسیان ۵: ۲۱، اپطرس ۵: ۵)
 «با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید» (فیلیپیان ۲: ۳)
 «بدین سخنان همدیگر را تسلی دهید» (اتسالونیکیان ۴: ۱۸، ۵: ۱۱ و ۱۴)
 «نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید» (یعقوب ۵: ۱۶)
 «برای یکدیگر دعا کنید» (یعقوب ۵: ۱۶)
 «یکدیگر را بدون همه‌مه مهمانی کنید» (اپطرس ۴: ۹)
 «با یکدیگر شراکت داریم» (ایوحنا ۱: ۷)

از این دو لیستی که از کتابمقدس در بالا آمد، یک مطلب به وضوح دیده می‌شود. کلیسایی که «ثمره روح» در آن متجلی می‌گردد، کلیسایی است که موارد «یکدیگر» را به جهت بنای بدن مسیح و همفکری و اتحاد در کلیسا به عمل می‌کشد. کلیسایی که در آن «اعمال طبیعت گناه آلود» دیده می‌شود، کلیسایی جسمانی است و جدایی‌ها و مناقشات را به عمل می‌کشد. اگر بخواهیم در این مورد به تمثیل صحبت کنیم، اینگونه کلیساها را می‌شود «کلیسای قرن‌تس» خواند (اقرنتیان ۳: ۱ - ۴). مومنین در قرن‌تس بیشتر همانند غیر مسیحیان عمل می‌کردند، تا مسیحیان. معنی سوآلی هم که پولس از آنها می‌پرسد، همین بود: «آیا جسمانی نیستید و به طریق انسان رفتار نمی‌نمایید؟» (اقرنتیان ۳: ۳).

مسئولیت شخصی ما

کلیسای من و شما چگونه می‌تواند به کالبد مومنین بالغی تبدیل گردد که «ثمره روح» را از خود منعکس می‌کند؟ جواب آن در کتابمقدس به خوبی آشکار است. همه مومنین باید «به روح» زندگی کنند و «به روح رفتار نمایند.» (غلاطیان ۵: ۲۵) برای انجام آن باید آنچه را که کتابمقدس

در رابطه با «یکدیگر» می‌گویید، به عمل بکشیم و بدن مسیح را بنا کنیم (افسیان ۴: ۱۶) تا اینکه آن را خراب کنیم و از بین ببریم (غلاطیان ۵: ۱۵). ما باید از کلام خدا اطاعت کنیم. انجام این فرامین به وضعیتی که در آن به سر می‌بریم، ربطی ندارد، مثلاً «اگر حال انجام آن را داشتیم»، و یا «اگر راحت بود»، و یا «اگر در شخصیت من بگنجد» و غیره. این فرامین همانند دستورالعمل در انجام اراده خدا است! همه مسیحیان باید در این شرکت کنند. ما باید متعهد شویم و به دنبال فرصتهایی باشیم که بتوانیم این تشویق‌های مثبت را در زندگی شخصی مان انجام دهیم. در همه حال باید مواظب باشیم که از موارد منفی «یکدیگر» پرهیز کنیم. جوهر و عصاره محبت همین است!

قدرت یافته از روح القدس

همه مومنین مسئولیت دارند که آن موارد مثبت «یکدیگر» را که کتاب مقدس مطرح می‌سازد، به عمل کشند. اگر عیسی مسیح و «یکدیگر» را دوست داریم، از کلام خدا اطاعت خواهیم کرد (یوحنا ۱۵: ۱۰، یوحنا ۵: ۳). با این وجود، اینکار فراتر از هر عمل انسانی است که بر اساس عمل اراده صورت می‌گیرد. این امر، عملکردی است الهی، جایی که مومنین به سوی قدرت مافوق طبیعه خدا کشیده می‌شوند.

اول از همه، عیسی برای همه ما دعا کرد که مسلماً توان ما را در «محبت به هم، چنانکه او را ما را محبت کرد» (یوحنا ۱۳: ۳۴) نیز در برمی‌گیرد. عیسی بعد از فرمان به «محبت کردن یکدیگر» سخن خود را با این دعا (یوحنا ۱۷) ادامه داد که این درخواست را در خود دارد:

و نه برای اینها فقط سوال می‌کنم، بلکه برای آنها نیز که به وسیله کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد. تا همه یک گردند چنانکه توای پدر، در من هستی و من در تو، تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آرد که تو مرا فرستادی. (یوحنا ۱۷: ۲۰ - ۲۱)

پولس هم این روانه مافوق طبیعه را در دعایی که برای مسیحیان افسس دارد، مشخص می‌کند، دعایی که در مورد کلیسای من و شما هم مصداق دارد. باز متوجه باشید که این دعا برای تمامی بدن است، نه فقط برای اعضای فردی آن. پولس باز از ضمیر جمع به جهت بیان مطلب خود استفاده می‌کند:

از این سبب، زانو می‌زنم نزد آن پدر، که از او هر خانواده‌ای در آسمان و بر زمین مسمی می‌شود؛ که بحسب دولت جلال خود به شما عطا کند که در انسانیت باطنی خود از روح او به قوت زورآور شوید، تا مسیح به وساطت ایمان در دل‌های شما ساکن شود؛ و در محبت ریشه کرده و بنیاد نهاده، استطاعت یابید که با تمامی مقدسین ادراک کنید که عرض و طول و عمق و بلندی چیست؛ و عارف شوید به محبت مسیح که فوق از معرفت است تا پر شوید تا تمامی پری خدا. (افسیان ۳: ۱۴ - ۱۹)

هدف دعای پولس این بود که این مسیحیان «تا تمامی پری خدا» پر شوند (۳: ۱۹). این جمله «ثمره روح» را خلاصه می‌کند و شخصیت خدا را در مقابل چشم قرار می‌دهد که همان «محبت، خوشی، آرامی، حلم، مهربانی، نیکویی، ایمان، تواضع، و پرهیزگاری» (غلاطیان ۵: ۲۲) می‌باشد. پولس این دعا را با حمدی بسیار عظیم به اوج خود می‌رساند؛ آیاتی پر قدرت که بر روی اعلاناتی که در مقابل کلیساهای خود می‌آویزیم، دیده می‌شوند. این آیات لااقل یکبار در هفته به همه ما یادآور می‌شود که با کمک الهی خدا می‌توانیم این جنبه‌های مثبت «یکدیگر» را به عمل کشیم:

الحال او را که قادر است که بکند بینهایت زیادت‌تر از هر آنچه بخواهیم یا فکر کنیم، بحسب آن قوتی که در ما عمل می‌کند، مر او را در کلیسا و در مسیح عیسی تا جمیع قرن‌ها تا ابدالابد جلال باد. آمین. (افسیان ۳: ۲۰ - ۲۱)

با توجه به زمینه دعای پولس در افسسیان ۳ و تأکید او بر عملکرد بدن در فصل ۴، اکنون می‌توانیم منظور او را از آنچه که در فصل ۵ می‌گوید، به شکلی کامل درک کنیم. پولس در فصل ۵ این مومنین را تشویق می‌کند که «از روح پر شوند». باز متوجه باشید که صحبت پولس خطاب به جمع و به کل کلیسا در افسس است:

مست شراب مشوید که در آن فجور است، بلکه از روح پر شوید. و با یکدیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دل‌های خود به خداوند بسرایید و ترنم نمایید. و پیوسته بجهت هرچیز خدا و پدر را به نام خداوند ما عیسی مسیح شکر کنید. (افسیان ۵: ۱۸ - ۲۰)

مقدمه کتاب یکدیگر را بنا کنیم، به قلم جین گتز

ترجمه از فریدون موخوف

دعای من این است که این مطالعه بر زندگی شما و زندگی کلیسایان به همان شکل که بر من و کلیسای ما اثر گذاشت، اثر گذارد. اگر کلام خدا را جدی می‌گیرید و جهت قوت به روح القدس متکی هستید، یقین دارم که چنین خواهد شد!